Thinking and Children, Institute for Humanities and Cultural Studies (IHCS)
Biannual Journal, Vol. 11, No. 1, Spring and Summer 2020, 149-169
DOI: 10.30465/FABAK.2020.5833

Analyzing Techniques of Simulation and Hyperreality in Children's Thinking: A Review of Ahmad Reza Ahmadi's Children Stories

Fateme Casi*

Seddighe Alipoor**

Abstract

The postmodern concept has been introduced in variety of humanities fields including sociology, psychology and philosophy. A famous thinker of postmodernism is Jean Baudrillard, who proposed the theory of simulacrum as the substitute for reality and hyperreality; it can be perceived through philosophical imagination. In Ahmad Reza Ahmadi's works, children are acquainted with the experience of contemporary human to live in a modern world which casts doubt on certainties and pushes him into a realm where boundaries no longer exists. Through Ahmadi's stories, children always experience a suspenseful swinging in the world of fantasy and reality, childhood and adulthood, and borders and boundlessness. Using a descriptive-analytical method, the present study aims to investigate techniques of simulacrum and hyperreality in Ahmadi's works based on Baudrillard's theory from the perspective of children's thinking. The results show that the author wants to guide children to philosophize about life in times of turmoil and confusion resulting from the crisis of modernity, through simulacra such as bringing events of the dream world into the real world, using magic writing and surrealist techniques and so on. In this way, their minds are prepared to reach a world that inspires hope and reduces the bitterness of living.

* Assistant Professor of Persian Language and Literature, Payame Noor University (Correspondig Author), Fateme.casi@gmail.com

** Associate Professor of Persian Language and Literature, Shahid Bahonar University of Kerman, salipoor@mail.uk.ac.ir

Date received: 15/06/2020, Date of acceptance: 21/09/2020

Copyright © 2010, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/ or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

Keywords: Children's stories, Children thinking, Baudrillard, Simulacrum, Hyperreality, Ahmad-Reza Ahmadi's Works.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

تفکر و کودک، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
دوفصل‌نامهٔ علمی (مقالهٔ علمی ـ پژوهشی)، سال یازدهم، شمارهٔ اول، بهار و تابستان ۱۳۹۹، ۱۵۱–۱۶۹

تحلیل شگردهای وانمودگی و بی‌مرزی در تفکر کودکان با نگاهی به داستان‌های کودکانهٔ احمدرضا احمدی

فاطمه کاسی*

صدیقه علیپور**

چکیده

واژهٔ پسامدرن در رشته‌های گوناگون علـوم انسـانی چـون جامعـه‌شناسـی، روان‌شناسـی و فلسفه وارد شد. یکی از نظریه‌پردازان پسامدرن ژان بودریار اسـت کـه نظریـهٔ وانمـوده بـه جای واقعیت و بی‌مرزی را مطرح کرد که از طریـق تخیـل فلسـفی قابـل دریافـت اسـت. کودکان داستانهای کودکانهٔ احمدرضا احمدی بـا تجربـهٔ انسـان معاصـر بـرای زیسـتن در جهانی که قطعیت‌ها را مورد تردید قرار می‌دهد و او را وارد حیطهٔ بی‌مرزی می‌سازد، آشـنا می شوند. آنان با خوانش آثار کودکانهٔ احمدی همواره در دنیای خیال و واقعیـت، کـودکی و بلوغ، مرزها و بی‌مرزی‌ها نوسانی تعلیق گونه را تجربه می کنند. هدف پـژوهش حاضـر بررسی شگردهای وانمودگی و بی‌مرزی در آثـار احمـدی بـر مبنـای دیـدگاه بودریـار، از دیدگاه تفکر کودکان و به روش توصیفی تحلیلی است. نتایج به دست آمده نشان مـی‌دهـد که نویسنده می‌خواهد با وانموده‌هایی مانند وارد کردن اتفاقـات دنیـای خـواب بـه دنیـای واقعی، استفاده از نوشتار جادویی و شگردهای سورئالیستی و... تفکر کودکان را بـه سـمت فلسفیدن دربارهٔ زندگی در دوران آشفتگی ها و سرگردانی های حاصـل از بحـران مدرنیتـه هدایت کند تا بدین طریق ذهن آنها را برای دست یافتن به دنیایی که امید را القا می کنـد و تلخی زیستن را کاهش می دهد، مهیا سازد.

---

* استادیار زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه پیام نور، ایران (نویسندهٔ مسئول)، Fateme.casi@gmail.com

** دانشیار زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه شهید باهنر کرمان، کرمان، ایران، salipoor@mail.uk.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۳/۲۶، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۶/۳۱

Copyright © 2018, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose

کلیدواژه‌ها: داستان های کودکانه، تفکر کودک، بودریار، وانموده، بی‌مرزی، آثار کودکانه احمدرضا احمدی.

۱. مقدمه

دستور کار بنیادی گفتمان پسامدرن ریشه‌کن‌سازی مرزهاست. مرز میان ژانرها و اشکال هنری و نیز میان هنر والا و پست، داستان و تاریخ (هاچن Hutchen)، واقعیت و خیال (بودریار Bauddrillard) و گفتمان روایی و علمی (لیوتار Lyotard) که سرانجام این ویرانگری‌ها به مرزهای دیگر مانند مرز میان طنز و جدیت نیز رخنه می‌کند (تسلیمی ۱۳۹۰: ۲۱٤). نظریه‌پردازان پسامدرن، بیش از تولید، به مصرف توجه داشته‌اند. از ادعاهای بنیادی پسامدرنیست‌ها در گذر از فرهنگ مدرن به پسامدرن این است که «مردم باید به جای تولیدکننده، مصرف‌کننده در نظر گرفته شوند» (کیویستو ۱۳۸۰: ۱۹۳). بودریار افزون بر امر مصرف به نقد تکنولوژی و بازتولید رسانه‌ای رو کرده‌است؛ به سخن دیگر مصرف‌زدگی بسیار، جهانی را آفریده است که مرز میان واقعیت و خیال (وانموده) را برداشته است. اشباع در مصرف رسانه چون تلویزیون موجب می‌گردد که یک فیلم سینمایی با یک فیلم مستند یکسان پنداشته شود. دال‌ها بر مدلول‌ها چیره گردند و حقیقت دال، بدون در نظر داشتن مدلول پذیرفته شود (تسلیمی ۱۳۹۰: ۲۱۵). پست مدرن ها معتقدند که کودکان عاملان اجتماعی کارآمدی هستند که در سایر حوزه ها می توانند نقش آفرینی کنند (همان: ۷۸). ضمن اینکه همچنان که می‌توانند نماد یک آینده بهتر باشند ممکن است به عنوان یک گروه ستمدیده نیز لحاظ شوند (شیخه و همکاران، ۱۳۹۸: ۷٦). در چنین حالتی و با توجه به بحران جهان مدرنیته که انسان را از عقلانیت دور کرده و ناگزیر بشر در چنین دنیایی به ورطهٔ پوچ گرایی افتاده است، نیاز به مقوله ای احساس می شود که بتواند کودکان را به تفکر دربارهٔ نظام زندگی، شناخت شرایط و امید به زیستن برای آینده ای بهتر نایل گرداند.

ادبیات کودکان، نقش اساسی در رشد فکری و بالندگی شخصیت، به ویژه در آموزش ایدئولوژی به آنان دارد(حامدی شیروان و شریفی،۱۳۹۳: ۱۹-۲۰). لیپمن یکی از نظریه پردازان فلسفهٔ کودک معتقد است، فلسفه، مهمترین عامل برای بهبود تفکر کودکان است و به کمک فلسفه می توان شیوه های پرورش تفکر اخلاقی، انتقادی و تفکر خلاق را به کودکان آموزش داد (به نقل ازصفایی مقدم و دیگران، ۱۳۸۹: ۸٤). همچنین از نظر لیپمن برترین روش برای آموزش تفکر به کودکان، استفاده از داستان است(فیشر، ۱۳۸٦: ۲٦۹).

برخی از داستان‌ها، به ویژه داستان‌های فکری، کودکان را به فکر و در نتیجه تحلیل فلسفی وا می دارند. بازآفرینی مفاهیم از طریق داستان‌ها در رشد زبانی، شخصیتی، شناختی و اجتماعی کودکان نیز تأثیرگذار است. این گونه داستان‌ها معمولاً با پرسش و پاسخ‌هایی شروع می‌شود؛ انواع عواطف را برمی‌انگیزد و با بخشی سازنده به پایان می‌رسد (نورتون، ۱۳۸۲: ۲۹). درست اندیشیدن و پرورش قوه تخیل و قضاوت کودکان، در سایه فلسفیدن ایجاد می شود و این امر از طریق مهارت های فکری و فرهنگ گفتگویی در کودکان امکان پذیر است (خانیکی و دیگران، ۱۳۹٦: ۲۲). از این منظر داستان نیز بستر مناسبی برای ایجاد زمینه های مکالمه ای برای فلسفیدن کودکان است. به طور کلی داستان قدرت تخیل کودکان را برمی‌انگیزد؛ محرک قدرتمندی است که به عواطف و تفکرات آنها توجه دارد و خوشایند تخیل آنها است (کم، ۱۳۹۲: ۳۸).

با توجه به طرح مباحث فوق، پرسش بنیادین پژوهش این است که مسأله بی‌مرزی و وانمودگی که مشخصهٔ دنیای پسامدرن است در ادبیات کودکان چگونه حضور و بروز یافته و در این میان آثار کودکانهٔ احمدی چگونه است؟ آیا کودکان می‌توانند با این آثار ارتباط برقرار کنند؟ فرضیه این پژوهش این است که بی‌مرزی تخیل در آثار احمدی به‌گونه‌ای است که کودکان را بین دو دنیای متفاوت به تفکر وامی دارد. در این امر نویسنده، دنیای خیالی را به دنیای واقعی آنچنان پیوند می دهد که خواننده در برزخ دو دنیای واقعی و وانموده می‌ماند. شخصیت‌ها، حوادث و رویاهایی که در پیش چشم خواننده قرار می‌گیرد، ذهن او را درگیر جذابیت این دو دنیا و کاوش خیال انگیز چگونه زیستن و در نتیجه به زیستنی امیدوارانه سوق می بخشد. با توجه به پرسش اصلی تحقیق مهم‌ترین پرسش‌های فرعی به قرار ذیل است: ۱.مهم‌ترین شگردهای بی‌مرزی که کودکان را به فکر وامی‌دارد، چیست؟ ۲. کودکان چگونه با این شگردها ارتباط برقرار می کنند؟ ۳.وانموده‌های داستان چه مفاهیمی را به کودکان القا می کنند؟ برای رسیدن به پاسخ این پرسش ها از نظریهٔ یکی از نظریه‌پردازان پسامدرن ژان بودریار بهره می گیریم که نظریهٔ وانموده به جای واقعیت و بی‌مرزی را مطرح کرد و اذعان داشت که دریافت این امر از طریق تخیل فلسفی امکان پذیر است.

۲. پیشینهٔ تحقیق

مهم‌ترین این پژوهش‌ها به قرار ذیل است: کاسی، فاطمه(۱۳۹۹)، «پدیدارشناسی بی مرزی در داستان های کودکانه احمد رضا احمدی» ؛ نویسنده به صورت مفصل داستان های کودکانه احمدی را از دیدگاه پدیدارشناسانه تحلیل کرده است. مقاله «وانمودگی در داستان سوفیا اثر مستور است» که به قلم محمد جواد حجاری و همکار (۱۳۹۵) تألیف شده است. در این اثر وانمودگی به گونه‌ای موافق با نظریه وانمودگی بودریار مطرح شده است و نشان می‌دهد که چگونه وانموده‌ها جای واقعیت را می‌گیرند. این وانمودگی محصول جامعه پسامدرن است. دیگر پژوهش‌های مشابه به قرار ذیل است:

شریفیان، مهدی، لطفی‌عزیز، محسن (۱۳۹۲)، وجودشناسی پسامدرن در داستان «رویا و کابوس» نوشتهٔ ابوتراب خسروی با تکیه بر نظریهٔ وجودشناسی (برایان مک هیل)، فصلنامهٔ جستارهای ادبی در ادب فارسی، ش ٤، صص ۵۹-۹۸.محمودی، علیرضا، پساتین، سوسن (۱۳۹٦)، مؤلفه‌های پست‌مدرن مجموعهٔ داستانی «یوزپلنگانی که با من دویده‌اند»، بیژن نجدی، فصلنامهٔ جستارهای داستانی در ادب فارسی، شمارهٔ ۱: ۷۵- ۸٦. در دو اثر فوق هم تنها همسویی آثار منتخب و تحلیل شده با مؤلفه‌های پست‌مدرنیستی مشاهده می‌شود.

از پژوهش های مربوط به تفکر کودکان می توان به این موارد اشاره کرد:

حسینی، زهره. (۱۳۸۹). «فلسفه و کودکان». خردنامه صدرا، ویژه نامه دهمین سالگرد انتشار، صص ۱۰۰-۹۳. کوکبی، مرتضی ودیگران (۱۳۸۹)،« بررسی مهارت های تفکر انتقادی درداستان های کودکان و نوجوانان»، مجله مطالعات ادبیات کودک، شماره۱: صص۱۵۷-۱۹۳. رشتچی، مژگان(۱۳۸۹)، «ادبیات داستانی کودکان و نقش آن در رشدتفکر»،دو فصلنامه تفکر وکودک، شماره ۲، صص۲۳-۳۷.

به عبارت دیگر آنچه این مقاله را از سایر آثار متفاوت می‌کند ،وانموده‌های کودکانه است که با واقعیت در می آمیزد، ذهن کودک را به فکر دربارهٔ جهان و زندگی وامی دارد و به او می آموزد که تنهایی ها و تلخی های زندگی را چگونه فروکاهد.

۳. مبانی نظری پژوهش (بوردیار؛ وانموده، وانمودگی و بی‌مرزی)

در کتاب مبادلهٔ نمادین و مرگ می‌خوانیم:

پایان کار، پایان تولید، پایان اقتصاد سیاسی، پایان دیالکتیک دال/ مدلول که امکان انباشت دانش و معنا را فراهم می‌آورد و همنشینی خطی سخن ارتباطی را. پایان همزمان دیالکتیک مبادله و ارزش مصرف، یگانه چیزی که امکان انباشت و تولید اجتماعی را می‌داد. پایان ساحت خطی سخن، پایان ساحت خطی کالا. پایان دوران کلاسیک نشانه، پایان دوران تولیدی در جامعهٔ مصرفی که در آن توده‌ها، اکثریت خاموش، به گونه‌ای منفعل و پذیرا، کالاها را، برنامه‌های تلویزیون، ورزش، سیاست و اخبار را مصرف می‌کنند و از خود واکنشی نشان نمی‌دهند از مفاهیم سنتی پیکار طبقات خبری نخواهد بود. در رسانه‌های همگانی این جامعه، اخبار نه به معنای اطلاع یافتن، بل در حکم بازتولید است، گونه‌ای بازی با نشانه‌هاست تا دلالت نداشته باشند و بی‌ارتباطی با واقعیت پایهٔ اقتدار قرار گیرد (احمدی، ۱۳۸۰: ٤٧١).

او پسامدرنیسم را توصیف وضعیتی می‌داند که در آن تصویر، وانموده و فراواقعیت ، فوق واقعیت یا حاد واقعیت(Hyper-reality) جای خود واقعیت را می‌گیرد. تصاویر گوناگون پیرامون ما از جمله تبلیغات خیابانی، مجلات و روزنامه‌ها، تصاویر تلویزیونی و سینمایی، بازی‌های دیجیتالی و غیره، جنبه‌های مختلف زندگی بشر را در سیطرهٔ خود گرفته‌اند، به همین علت، در جامعهٔ معاصر و یا به عبارتی جامعهٔ پسامدرن، دیگر نه با اصل مفاهیم، بلکه با «بدل» یا «تمثال» یا «ایماژ» یا «رونوشت» آنها روبه‌رو هستیم. این تصاویر در حقیقت نوعی فیلتر یا شبکه برای انتقال هرگونه تصویر از دنیای پیرامون به درون ما هستند و بنابراین، تصورات ما نه تنها تعلقی به ما ندارد، بلکه از قبل برایمان ساخته و پرداخته یا حتی شبیه‌سازی شده‌اند (پاینده، ۱۳۸۳: ۲۹). از این‌رو، تصویر بر امر واقعی اولویت می‌یابد و می‌توان گفت که «واقعیت معلول این تصاویر است.» به این سبب است که پسامدرنیسم در نظریهٔ بودریار به معنی «از میان رفتن تمایز بین امر واقع و امر شبیه‌سازی شده» است (همان: ۳۰). سیطرهٔ وانموده‌ها (تصاویر شبیه‌سازی شده) در جامعهٔ پسامدرن باعث می‌شود که فرق بین اصل و فرع را ندانیم. با سبقت گرفتن بدل از اصل، تصویر واقعی‌تر از خود واقعیت جلوه می‌کند (پاینده، ۱۳۹۰: ٤٢١-٤٦٢). این بدان سبب است که فراوانی تصویر از مرجع آن بیشتر است و در نتیجه مصرف‌کنندگان را در خود غرق می‌کند. بودریار در کتاب مشهورش با عنوان وانموده‌ها و وانمودگی می‌نویسد:

موضوع دیگر تقلید واقعیت، (رونوشت‌برداری دوباره)، یا حتی تقلید تمسخرآمیز از واقعیت نیست. بلکه موضوع عبارت است از جایگزین کردن نشانه‌های امر واقعی به

جای خود واقع... دیگر نمی‌توان توهم واقعیت را ایجاد کرد. زیرا (بازنمایی) امر واقع، ناممکن شده است (همان: ٤٦٢).

بودریار بی‌مرزی بین واقعیت و فراواقعیت را از آن رو می‌داند که «نشانه‌ها به مرجعی واقعی اشاره ندارند، فراواقعیت به جای واقعیت می‌نشیند و مدلول محو می‌شود» (تسلیمی، ۱۳۹۰: ۲۸۷–۲۸۸). در چنین وضعیتی، نشانه هیچ سنخیتی با امر واقع نداشته و وانمودگی منجر به ایجاد فراواقعیت می‌شود. در حالی که در نظم اول و دوم هنوز ارتباطی میان امر واقعی و امر شبیه‌سازی وجود دارد، در ساحت سوم امر شبیه‌سازی بر امر واقعی ارجح است و آن را تعریف می‌کند. به بیان بودریار، «وانمودگی» (تولید شده از) الگوهای امر واقعی است، امری فاقد خاستگاه و فاقد واقعیت: امر (فرا) واقعی (حقیقی، ۱۳۸۹: ۸۵).

بودریار اصطلاح وانموده و وانمودگی را به معنای «تظاهر به وجود چیزی که ناموجود است» و «پنهان ساختن این عدم در ورای وانموده» به کار می‌گیرد. او معتقد است در عصر پسامدرنیته تصاویر، جانشین واقعیت شده‌اند، واقعیت برای همیشه رخت بربسته‌است و آنچه به جای مانده، تنها پوسته و ظاهری از آن است (تدینی، ۱۳۸۸: ۱۱۹). همان طور که «دیزنی لند» واقعیت نیست، غیر واقعیت هم نیست، بلکه واقعیت جامعه ایالات متحده راوانمود می کند، نه فقط شهرها و تصاویر کلیشه‌ای تاریخ آن، بلکه ذهنیت آن را و به همین علت فوق واقعیت است (Baudrillard ,1981:24-28). بودریار براین باور است که وانمودگی، الگوسازی واقعیت است در شرایط فقدان آن و از این‌رو، آن را فراواقعیت می‌نامد. این اصطلاح نشان‌دهندهٔ شرایطی است که به گفتهٔ بودریار، نشانه‌های واقعیت، خود واقعیت را مغلوب کرده‌اند و جایگزینش شده‌اند یا به روایتی ریشه‌ای‌تر، وضعیتی که در آن اشارهٔ نشانه‌ها به یکدیگر، در گردشی پایان‌ناپذیر، ناموجودی واقعیت را پنهان می‌کند و (فرافضا) فضایی است ساخته شده از این نشانه‌ها، نه چیزها (حقیقی، ۱۳۸۹: ۱۰۰). هدف بودریار در بحث از نظام وانموده‌ها نمایان کردن شیوهٔ تسلط وانموده‌ها بر جامعهٔ معاصر است و این که چگونه نظام تازه‌ای ساخته شده است (Baudrillard,1976: 75-128).

حال با این نگاه که ادبیات داستانی کودک به دلیل ربط و نسبت نزدیک جهان ذهنی کودکان– که با تخیل سرشار همراه است– با مسأله سیطرهٔ وانمودگی/ واقعیت، قابل کاوش و تأمل ویژه است؛ به بررسی آثار احمدرضا احمدی می پردازیم.

٤. بحث و بررسی (تفکر کودک، وانمودگی و خیال)

از دیر ایام بشر از طریق تخیل و داستان‌پردازی اندیشه ها و آرمان ها و آرزوهای خود را تجسم می بخشیده و داستان خیالی موجبات برانگیخته شدن احساسات، تمایلات و تفکرات مخاطبان می‌شده است. یکی از عمده ترین مقولاتی که ذهن و فکر کودک را به فعالیت وا می دارد، خیال انگیزی ، به ویژه از طریق داستان پردازی یا خیال انگیزی بواسطهٔ خوانش داستان است. موضوع وانمودگی که تفکر پست مدرنیته را به نحو فزاینده ای تحت تأثیر قرار داده، بر داستان های کودکانهٔ احمدرضا احمدی نیز سایه افکنده است. وانموده‌ها در آثار کودکانهٔ احمدی؛ خواننده را وارد دنیایی می‌سازد که تفکیک مرز واقعیت و تخیل چندان آسان نیست. در این رفت‌وآمد به دنیای تخیل و واقعیت، گاه مرزها شکسته می‌شود و خواننده خود را یکسره در دنیای تخیلی می‌بیند که خود را به دنیای واقعیت تحمیل کرده‌است. این تحمیل علاوه بر آنکه ریشه در خواست خودآگاهانهٔ نویسنده برای ایجاد فیلتری بر دنیای پیرامون (دنیای بدون تخیل بزرگسالی) خود می‌شود که در دنیای شاعری خود نیز از آن بهره برده است: «و من با اندوه پذیرفتم که دیگر کودک نیستم». ذهن کودکی احمدی همه‌جا سر بر می‌آورد و با تلطیف دنیایش، زندگی را برایش آسان‌تر می‌سازد. او برای ورود به دنیای بی‌مرزی از شگردهای فراوانی استفاده می‌کند که اغلب آنها کاملاً معنامندند. او با بهره‌گیری از شگردهای جادویی، سورئالیستی و سمبولیستی، فلسفهٔ فکری خود را در این زمینه بیان می کند و گاهی نیز از بی‌مرزی‌های بی‌معنای پست مدرنی، برای رسیدن به مقصود نهایی خود بهره می‌جوید. در زیر به بررسی مبسوط این شگردها می پردازیم.

۱.۴ شگردهای وانمودگی و بی‌مرزی

۱.۱.۴ یگانگی دنیای خواب و دنیای واقعی

اگرچه خواب و رؤیا نمایانندهٔ بخشی از رؤیاهای احمدی است که آن را در قالب داستان کودکان نقل می‌کند، امّا گویی خواب و واقعیت در این داستان‌ها در یک امتداد هستند و هیچ حدومرز مشخصی ندارند. در این داستان‌ها کودک، در فضایی گم شده در میان بیداری و خواب در پی محقق ساختن آرزوی خویش است. اساساً احمدی در تمام این داستان، خواهان فروپاشی این مرزبندی‌هاست که در ذهن کودکان عجیب نیست. هیچ‌کس در این

دنیای کودکانه از این درهم‌رفتگی شگفت‌زده نمی‌شود و قوانین این دنیا برای آنها آشناست. کودک با استفاده از این دنیای بی‌مرز، سعی می کند تا بر مشکلات خود فایق آید و به هویتی یکپارچه دست یابد. همچنین می تواند با واقعیاتی چون تنهایی انسان کنار بیاید و حضور مصرانهٔ تنهایی مدرنیته شده، دیگر برای او آزاردهنده نیست. با این تمهیدات، دیگر نیازی به تعبیر رؤیا نیست، چرا که رؤیا همان واقعیت است. رؤیا در این دنیا، همچون زندگی انسان بدوی یک پدیدهٔ روان‌شناسی صرف نیست یا «تجربهٔ واقعی روح در هنگام جدا شدن از بدن» (فروم، ۱۳۸۸: ۱۲٦) ؛ بلکه رؤیا و واقعیت درهم آمیخته هستند:

> پسرک با یاد باغ بزرگ به خواب رفت. پیرمرد صاحب باغ بزرگ به خوابش آمد. پیرمرد با مهربانی به پسرک گفت: «فردا صبح به باغ بزرگ برو، در انتهای باغ بزرگ، کنار یک درخت سرو کهن، جعبه‌ای در خاک دفن است، جعبه را از خاک بیرون بیاور و به خانه ببر و درش را باز کن». پسرک صبح که از خواب بیدار شد، آرام به انتهای باغ رفت. کنار درخت سرو کهن رسید. زمین کنار سرو کهن را کند و کند تا نزدیک‌های ظهر در عمق گودال، جعبه‌ای چوبی را یافت (احمدی، ۱۳۸۷: ١٤).

می‌توان گفت این خواب‌ها نوعی یاری‌رسان ذهنی هستند که دستان کوچک و کم‌توان کودک را در راه رساندن به آرزوهای کودکانه یاری می‌دهند. آروزهای کودک داستان‌های احمدی، آرزوهای روزمره هستند که کودک با تکیه به خود، کمر به برآورده کردن آن می‌بندد. درست مانند آنچه در داستان «الفی اتکینز و دوست خیالی‌اش» دیده می شود. الفی پسر تنهایی است که با پدر خود زندگی می‌کند. مالکوم که بهترین دوست اوست؛ در ذهن الفی شکل گرفته است و زمانی که تنهاست او می‌آید، بعضی وقت‌ها با الفی به مهد کودک می‌رود، اما هیچ کس جز الفی، حتی بابایش هم نمی‌تواند او را ببیند. یک روز مالکوم و الفی پیپ مورد علاقهٔ بابا را بر می‌دارند و پیپ گم می‌شود، الفی با نمایش رؤیایی دوست خیالی‌اش در داستان امیدوار است که بتواند در حل مشکلاتش از او کمک بگیرد و با کمک ذهن ناخودآگاه خویش پدر را راضی گرداند. تصویرگری مالکوم بسیار ساحرانه و خلاقانه صورت گرفته است، مالکوم شبیه به الفی، کاملاً شبح‌گونه و بی‌وزن است و با نقطه‌چین‌های اطراف بدنش چون تصویر آینه‌ای بی‌رنگی است که از الفی جدا شده و گویی نیمی از اوست که زمانی با الفی یکی بوده است (پاک‌پور، ۱۳۸۹: ۹۵). بدین ترتیب کودک داستان با ورود به دنیای رؤیاها می تواند به حرکت در آید و هر آنچه را که دست نایافتنی است بدست آورد؛ چنانکه چون

«مالکوم» تمام واقعیت‌های تلخ و بزرگ را در هم شکند و یا چون پسرک داستان«در باغ بزرگ، باران می‌بارید»با به دست آوردن قدرتی خارق العاده و با جسارت بـه آرزوهـای رنگارنگ و خواستنی خود ورود کند.

۲.۱.۴ وانمودگی نوشتار جادویی

به حقیقت پیوستن واژه‌ها و کلمات در آثار احمدی تبدیل به یک موتیف می‌شود. او در ایـن داستان قدرت جادویی نوشتار را به تصویر می‌کشـد. او خـالق دنیـایی رنگارنـگ اسـت کـه جای خود را به سفیدی نور تابناک خورشید می دهد؛ چنانکه در عرفان نیز این مفهومی از تاریکی به نور رسیدن را القا می‌کنـد یـا در فلسـفهٔ ذهنـی، همـان از عـدم شـناخت بـه شناخت رسیدن است. در اتاق سوم، دیوار سفیدی بود، پسـرکی کنـار دیـوار سـفید آمـد و روی دیوار نوشت: باران، باران بارید (احمدی، ۱۳۸۷: ٢٤). او بدین‌گونه جهانی را به وسـیله واژگان خلق می‌کند. این ویژگی در کتاب‌های «باز هـم نوشـتم صـبح، صـبح آمـد»،«نوشـتم باران، باران بارید» و «ناگهان چراغ‌ها خاموش شدند»، نیز دیـده مـی‌شـود. او در جهـانی کـه واژگان حکمرانی می‌کنند، تصاویری را جانشین واقعیت می‌کند و از واقعیات تلخ می‌گریـزد و دیگر هیچ نشانی از این واقعیات بـه جـا نمـی‌گـذارد و بـدین‌گونـه بـا ایـن وانمـوده‌هـا، فراواقعیت را جانشین واقعیت موجود مـی‌کنـد. تفـاوت آثـار بزرگسـالانهٔ احمـدی بـا آثـار کودکانهٔ او در این است که وی، در آنها برای بازیابی آرزوها با موانعی مانند مرگ، تنهـایی و ... روبه‌روست که امکان کنار زدنشان نیست، اما در آثار کودکانهٔ او ایـن موانـع بـا اسـتفاده از وانموده‌ها، با شکست مواجه می‌شوند و آرزوها در دنیای خیال محقق می‌گردنـد. همچنانکـه واژگان در دنیای کودکانه جوان و شادند؛ قدرت باروری دارند، زایا هستندو تولید مـی‌کننـد، این قدرت خود را، به ذهن کودکان نیز القا می کنند. چنانکه در این داسـتان مـی بینـیم، بـاد شمع‌هایش را خاموش می کند و عمر کبریت‌هایش کوتـاه اسـت، امـا جـادوی رخ نمـودن ناگهانی گل‌های شمعدانی و نرگس و پامچال، جادوی به میوه رسیدن چهار فصل و بـه آواز در آمدن سازهای حیات و ناگهان روشن شدن همه فانوس‌ها و شمع‌ها و چراغ‌ها و بـالاخره جادوی تابیدن نور و آشکار شدن کیسه‌های گندم و عدس و برنج و جلوه‌گری ناگهانی نـور خورشید، کودکان خسته از زندگی را به نوری امید می‌بخشد که نه زوال دارد و نـه مـرگ و هیچ چیز حتی حسد نمی‌تواند عمرش را بگیرد.

او در دیگر آثارش نیز با این وانموده‌های قدرتمند مواجه می‌شود؛ چنانکه در کتاب «نوشتم باران، باران بارید» وانموده‌ها در آن با «تصاویر» به کمک کودک می‌آیند:

«روی دیوار دانه‌های باران را نقاشی کردم. باران بارید و روی برگ‌های سبز ریخت. برگ‌های سبز سفید شدند. آن وقت، دو گنجشک را در میان برف‌ها دیدم» (همان: ۱۷).

کودک با مداد رنگی و نقاشی، وانموده‌ها و فراواقعیت‌هایی را جایگزین واقعیت (نبودن پدر) می‌سازد و با کمک این وانموده‌ها دوران دوری پدر را به خوبی، با بازگشت او پیوند می‌زند. در کتاب »باز هم نوشتم صبح، صبح آمد»، فراوانی وانموده‌ها، بازگوکننده آرزوهای کودکی است که خواهان رقم خوردن اتفاقات خوب در طول سالیان دراز برای خانواده خود است. البته تصاویر کتاب نیز برجستگی این آرزوها را پررنگ تر می‌سازد. تصویرگر با استفاده از تصاویر رنگارنگ و برانگیزنده، احساسی را فعال می‌کند. همچنین شدت رنگ یعنی استفاده از رنگ‌های پررنگ که نشان‌دهندهٔ هیجان و انرژی بالاست، آن را متنی مرتعش می‌نمایاند. منظور از ارتعاش میزان شدت رنگ است. متونی که در آن‌ها از رنگ‌های پررنگ استفاده می‌شود، نشان‌دهندهٔ هیجان و انرژی بالاست (مقداری، ۱۳۹۵: ۳۳). بدین ترتیب با استفاده از جادوی واژگان رنگارنگ، دنیایی خلق می کند که در آن کودک در جستجوی آرزوهایی می شود که امکان تحقق آن در دنیای واقعی وجود ندارد.

۳.۱.۴ وانمودگی دنیای سورئالیستی

در آثار کودکانهٔ احمدی، دنیای رنگارنگ خیال هر بار به شکلی رخ می‌نماید. یکی از شگردهای او در این شکل، استفاده از ایده‌های سورئالیستی است. یکی از ویژگی‌های سورئالیست‌ها عصیانگری است:

> این عصیان حاصل هوس روشنفکرانه نیست، بلکه برخوردی است تراژیک بین قدرت‌های روح و شرایط زندگی: سورئالیسم در نومیدی عظیم در برابر وضعی که انسان بر روی زمین به آن تنزل پیدا کرده‌است و امید بی‌انتها به دگردیسی انسانی زاده شده‌است (مجاوری‌آگاه، ۱۳۹۲: ۹۳).

سورئالیست‌ها در طرفداری از تخیل در مقابل عقل‌گرایی و ماده‌گرایی با رمانتیک‌ها هم‌آواز بودند ... دغدغهٔ آنها، آزاد کردن تخیل و گسترش دادن تعریف واقعیت است (بیگزبی، ۱۳۷۵: ۹۶ و ۷۶). احمدی از این ویژگی سوررئالیست برای تحقق بخشیدن به دنیای کودکان سود می‌جوید. او با عصیان در برابر قید و بندهای دنیای معاصر، دنیایی را در

برابر دیدگان خوانندگان قرار می‌دهد که در آن، از تهی‌دستی روحی انسان معاصر خبری نیست و تحقق همه‌چیز امکان‌پذیر است. او از طریق قدرت تخیل، نشدها را به شد تبدیل می کند. اگرچه ساختارشکنی خودآگاهانهٔ احمدی، گویی ناخودآگاه تسلیم نمادها شده‌است. او به کمک نمادها، قدم به دنیای وانموده‌ها می‌گذارد. از نمادها بهره می‌جوید تا به تصویری فراواقع و بی‌کران دست یابد. در داستان حاضر، پیرمرد از کودکان خواسته بود که در روز هفتم، از هفت اتاق دیدار کنند، ناگهان پیرمرد آمد و در اتاق دوم را باز کرد:

> پسران و دختران در پنجرهٔ اتاق دوم، باغ را دیدند که در آن اسبی سفید در یک سیبستان، زیر درخت سیبی بود و بر شاخه درخت فقط یک سیب سرخ باقی‌مانده بود. اسب با تنه به درخت سیب زد، سیب سرخ روی یال اسب افتاد. باران می‌بارید، سیب بر یال اسب بود، اسب با سیب به دریا رفت، سیب بر یال اسب بود. کنار دریا، پسرکی سیب سرخ و اسب را دید، اسب را صدا کرد. اسب به سویش آمد. پسرک سیب را از یال اسب برداشت و بو کرد. پسرک سیب را با گردنبندی بر گردن اسب آویخت. زمستان آمد. برف می‌بارید. یک روز صبح که پسرک از خواب بیدار شد، از پنجرهٔ کلبه دید در سفیدیِ گندمزاری که پوشیده از برف بود، سفیدی بزرگی می‌دوید که کنارش سرخی کوچکی بود. اسب سفید تند دوید، هراس نداشت که سیب سرخ از یالش به زمین بیفتد و او تنها بماند. پسرک پنجرهٔ کلبه را باز کرد، اسب را صدا کرد، سیب را صدا کرد، اسب کنار پنجره آمد، سیب بر گردنش آویخته بود، ناگهان بهار آمد و درختان سیب شکوفه دادند، پسرک کره اسبی را در بهار دید که زیردرختان سیب منتظر ریختن شکوفه سیب بود. پسران و دختران در سکوت فقط تماشا می‌کردند (احمدی، ۱۳۸۷: ۲۶).

این بخش از داستان، صورتی کوتاه شده از کتاب «اسب و سیب و بهار» نیز هست. کودک (پسرک) در هر دو کتاب نقش یاری‌گر را دارد، با این تفاوت که در کتاب اسب و سیب و بهار پسرک در گندمزار مشغول دروی گندم بود و سیب را کنار خرمن‌ها دید و بی‌خبر از داستان اسب و سیب، قصد خوردن سیب را داشت، اما با بستن سیب به گردن اسب، دوباره آن دو را که از هم دور شده‌بودند، به هم نزدیک کرد. تصاویر به‌کار رفته در این کتاب سبک انتزاعی‌تری نسبت به تصویر اسب در کتاب در باغ بزرگ باران می‌بارید، دارد، اما کاملاً انتزاعی نیست و نشانه‌های خیال با عناصر نیمه‌انتزاعی نمودار می‌شود. در صحنهٔ ابتدایی کتاب، تصویری نیمه‌انتزاعی از درخت دیده می‌شود که گویی کودکی (پسربچه‌ای) درون آن دیده می‌شود. تصویر درخت بزرگتر از تصویر کودک است و

تصویرگر با برهم زدن مقیاس در اجزای تصویر و قرار دادن دو تصویر بر روی یکدیگر (همپوشانی) به انتزاع دست یافته‌است. همپوشانی تصویر درخت و جنگل هم در تصویر صفحهٔ هفتم کتاب هم دیده می‌شود، اما این بار تصویر اسب کمی بزرگتر از تصویر درخت به چشم می‌خورد. گویی تصویرگر قصد دارد، همراهی اسب و درخت را پررنگ‌تر به نمایش بگذارد. در تصویر کتاب در باغ بزرگ باران می‌بارید، تنها اسبی را می‌بینیم که سیبی سرخ بر گردن دارد. تصویر این اسب در کتاب شفاف‌تر و بزرگ‌تر است. اسب یال‌های قرمزرنگی دارد و تنها سر و گردن اسب تصویر شده است. تصویر چشمان بسته اسب با سیب آویخته بر گردن، شکلی کاملاً فراواقعی را در معرض دید کودک قرار می‌دهد. استفاده از رنگ‌های آبی، قرمز و سفید نیز تصویر را خیالی و خارج از رویدادهای آشنای روزمره نشان می‌دهد. از رنگ‌های سبز در پس‌زمینهٔ (آبی ، قهوه‌ای و سبز) و رنگ‌های گرم در کاراکتر (قرمز) استفاده شده است. بنابراین با کثرت رنگ‌های سرد در تصویر، کودک از فضای گرم و آشنا دور می‌شود و رنگ‌های سرد از حرارت تصویر می‌کاهد و آن را مناسب برای فضای ذهنی و انتزاعی می‌سازد.

جای‌جای کتاب پر است از نمادهای عشق و باروری که اساس و هدف آفرینش است. دغدغهٔ احمدی در همه‌جای کتاب و حتی سایر کتاب‌های کودکانه‌اش، رهایی از ترس، تنهایی، دست‌یابی به مانایی، جوانی و شادی پایدار است که مصرانه با نقاب‌های رنگارنگ و متفاوت هم در این کتاب و هم در کتاب‌های دیگر رخ می‌نمایند. او گاه با استفاده از این نمادها از نمادهای آشنا، آشنایی‌زدایی می‌کند. بدین‌معنی که نمادها به چهرهٔ خیال او رنگ آشناتر می‌دهد و بدین‌گونه وانموده‌هایی خلق می‌شود که واقعیات تلخ روزمره را به حاشیه می‌برد و واقعیات (وانموده‌های) خلق شده را تبدیل به متن دلخواه خود و البته کودکان می‌کند. شاید کودک نتواند به راحتی به ارتباط نماد اسب، سیب و آب پی ببرد، اما کاملاً می‌تواند در این دنیا با کمک تخیل خود زندگی کند. او نه تنها در این اثر، بلکه در بیشتر آثارش خود و کودک را به باغی دعوت می‌کند که در آن عشق، باروری، برکت و فراوانی موج می‌زند و قدرت کلان روایت‌هایی را که سوژه‌های فردی را کنترل و سرکوب می‌کند، در هم می‌پیچد و پارادایم نگاه سنتی را درهم می‌شکند، او در هرجا از خطوط قرمز انسان بزرگسال فراتر می‌رود و وارد دنیای شخصی خود می‌شود.

اسب در متون اسطوره‌ای به عنوان مرکب مقدسی است که همواره بیانگر شکوه ایزدان بوده‌است. چهرهٔ اسب در افسانه‌های ایران نیز گویای همین پیوند آن با ایزدان و

اسطوره‌هاست؛ اسب‌های پریزادی که راکب خود را یاری می‌دهند یا اسب‌هایی که تولدی عجیب و غریب دارند و یا اسب‌هایی که از آب بیرون می‌آیند (غیبی و ویسی، ۱۳۹٤: ۱۲۱).

«در افسانه‌هایی با محوریت اسب به نظر می‌رسد وجود عنصر آب امری ضروری است و پیوند همیشگی دارد» (همان: ۱۲٤).

در این داستان نیز اسبان کنار رودخانه هستند و آب نقش مهمی در این داستان برعهده دارد. در داستان «اسب و سیب و بهار» و همچنین در این بخش از داستان در باغ بزرگ باران می‌بارید می‌بینیم که سیب به گردن اسب آویخته شده و این دو از اینکه در کنار هم هستند، خوشحالند؛ چرا که خود را از تنهایی رهانده‌اند. انتخاب سیب برای رسیدن به این هدف از طرف نویسنده، کاملاً هوشمندانه است؛ چرا که «اسب در اساطیر اسکاندیناو، نقش میوهٔ توالد و تناسل و میوهٔ جوان‌کننده را برعهده داشت» (شوالیه و گربران، ۱۳۸۷: ۷۰۱/۳). در این داستان درخت سیب و شکوفه‌هایش، اسب را در ابتدای بهار به تولیدمثل پیوند می‌دهد. این پیوستگی اسب و سیب در داستان «اسب و سیب و بهار» ادامه‌دار می‌شود.

«کره‌اسب، شکوفه سیب. پسرک کره‌اسبی را در بهار دید که در زیر درختان سیب در آرزوی ریختن شکوفه‌های سیب بود» (احمدی، ۱۳۸۰: ۱۷).

آنچه آن‌سوی این نمادها نظر خواننده را جلب می‌کند، این است که احمدی با تأمل کوتاه بر این نمادها و سپس گذار و پرش از آن‌ها، تصویری فشرده و سورئالیستی جلوی دیدگان خواننده قرار می‌دهد. او بدین‌گونه با نادیده گرفتن روابط علی و معلولی زاد و ولد (جفت دیگر برای اسب) و با استفاده از عناصر اسطوره‌ای و نمادین، تخیل را تبدیل به وانموده‌هایی می‌کند که تمامی نبودها را (ترس، تنهایی و ...) به بود تبدیل می‌کند. او به کودکان که ابزارهای کافی برای مقابله با دردها و رنج‌ها ندارند، دنیای وسیع و بی‌انتهای تخیل را پیشکش می‌کند.

«سورئالیست‌ها به ویران‌گری واقعیت‌های اجتماعی و اخلاقی توجه می‌کنند، ویران‌گری گرایش ویژهٔ آنان به ذهنیت و جهان شگفت جادویی و بازی زیبایی‌شناختی با متافیزیک است. اما پس از ویران‌گری به سازندگی نیز می‌پردازند» (تسلیمی، ۱۳۹٦: ۲۵۰).

احمدی دنیایی را که تنهایی، حسرت، درد و رنج باعث آزار خود و کودک می‌شود با تخیل و اصل قرار دادن وانموده‌های تخیلی بازسازی می‌کند و با استفاده از تصاویر به ظاهر بی‌ارتباط از سلطه‌گری روابط علی و معلولی دنیای واقعی می‌کاهد.

کودکان از پنجرهٔ اتاق چهارم، باغ را دیدند که در آن پسرکی زیر پنجره‌ای نشسته بود. ناگهان دستی از تاریکی پنجره بیرون آمد و به پسرک بوتهٔ گل سرخی داد: پسرک به انتهای باغ رفت، زمین را کند، بوتهٔ گل سرخ را در زمین کاشت. پسرک دوباره کنار پنجره آمد، دستی به پسرک، تنگی بلورین پر از آب داد. پسرک به انتهای باغ رفت و بوتهٔ گل سرخ را آب داد. ناگهان دستی از پنجره بیرون آمد و گلدان خالی به پسرک داد. پسرک به انتهای باغ رفت و بوتهٔ گل سرخ را داخل گلدان گذاشت. از پنجره دستی بیرون آمد. روی کاغذی نوشته شده بود تو دیگر از این بوته هزاران گل سرخ داری. پسرک از کنار پنجره کنار آمد. ناگهان دید پیچک‌های کنار پنجره رشد کردند، پنجره را گرفتند و پنجره کم‌کم محو شدند (احمدی، ۱۳۸۷: ۲۸).

این بخش نیز کوتاه‌شدهٔ کتابی است به« نام بهار بود» (احمدی، ۱۳۸۵). کودک از ابتدا، فضاها و اتفاقاتی را تجربه می‌کند که از روابط علی و معلولی سرباز می‌زنند و چندان طبیعی نیستند. کودکی که کنار پنجره نشسته، ناگهان با دستی مواجه می‌شود که به او بوتهٔ گل سرخ می‌دهد و کودک آن را در باغ می‌کارد. نکتهٔ ظریف آنکه کودک این اتفاقات و فضاهای جادویی را می‌پذیرد و چون‌وچرایی در مورد علت پیدایش آنها ندارد. این مورد شاید با دنیای وسیع تخیل او هماهنگی داشته باشد. در دنیای بی‌کران تخیل کودکانه همه‌چیز شدنی است و کودک به راحتی از این فضاها استقبال می‌کند. داستان این بده‌بستان‌ها ادامه پیدا می‌کند و کودک پی‌درپی از پنجره که شاید دریچه‌ای به سوی دنبال تخیل اوست، تنگ بلورین، فانوس، چراغ، قیچی، گلدان خالی، کاغذ سفید، جعبهٔ مدادرنگی و آینه دریافت می‌کند. کودک چنان به وجود این دست و هدایایش باور دارد که هیچ کدام از این اتفاقات و ناگهانی‌ها برای او به منزله نادیده‌گرفتن قانون علیت نیست. از نظر او اتفاق شگفت‌انگیز بیرون آمدن گاه به گاه دست و دادن چیزهای مختلف به کودک کاملاً نمادین تلقی می‌شود. این دست ناگهان می‌آید و ناگهان درست در زمانی که کودک آیینه‌ای را که دست جادویی به او داد بود به مادر نشان می‌دهد، محو می‌شود. احمدی بدین‌گونه تخیلات شگفت‌انگیز و سورئالیستی کودک (خود) را کاملاً شخصی می‌کند و از آنجا که نمی‌تواند این فضای جادویی را از نظر علی‌ومعلولی در دنیای بزرگسالان توجیه کند، با محو کردن دست و همه آن‌ها شگفتی‌ها، به شخصی‌سازی تخیل می‌پردازد. برای او چندان مهم نیست که این تخیل برای دیگران توجیهی داشته باشد یا نه. آنچه مهم است این است که تخیّل رنگارنگ او همراه بهار، به او چیزهای زیادی بخشیده است و دنیای درون او را فارغ از سیاهی‌ها و

تاریکی‌های جهان (مجهولات)، همزمان با دنیای رنگارنگ بهار، کم کم روشن ساخته است و در نهایت با نور مطلق خورشید، او را به آگاهی نهایی متصل می گرداند.

۵. نتیجه‌گیری

به طور کلی از آنجا که فلسفیدن، گونه ای فعالیت برای شناسایی و فهم امور است، بهترین روش برای انجام آن توسط کودکان، تخیل کردن به واسطهٔ داستان و داستان پردازی است؛ در نتیجه پیوند عمیقی بین ادبیات و فلسفه وجود دارد. داستان، یکی از مهمترین ژانرهای ادبی است که برای فهماندن محتواهای فلسفی، زمینه های خیال پردازی کودکان را برای فلسفیدن فراهم می کند و ابزار بسیار مؤثری برای برانگیختن فکر کودکان و ایجاد پرسش و خلق ایده های نو در زندگی آنان است. احمدرضا احمدی یکی از نویسندگان حوزهٔ کودکان است که با اذعان داشتن به این امر، غالباً در داستانهایش، کودکان را دارای تخیل و اندیشمند فرض می‌کند، لذا ذهن هوشمند آنان را به متن داستانهای خود فرا می خواند تا با استفاده از دنیای خیال آنها را با نگرش های فکری تازه آشنا سازد. آمیزهٔ واقعیت و وانموده از جمله مقوله های فلسفی حاصل دوران پسامدرن است که نه تنها ذهن همهٔ متفکران و اندیشمندان، بلکه اغلب انسان ها؛ به ویژه کودکان، نوجوانان و جوانان را خواسته ناخواسته درگیر خود نموده است.

بر طبق نظریهٔ ژان بودریار، نظریه‌پرداز پسامدرن، مصرف‌زدگی بسیار، جهانی را آفریده که مرز میان واقعیت و خیال (وانموده) را برداشته است. این موضوع در آثار احمدی به خوبی قابل مشاهده و تحلیل است. دنیایی که احمدی در داستان‌هایش خلق کرده، دنیایی است که کودکانش را از واقعیت به رؤیا پرتاب می‌کند و از ناواقعیت به واقعیت باز می‌گرداند. به طور کلی به نظر می‌رسد که احمدی، قصه از دنیایی می‌گوید که در آن جهان جز وهمی بیش نیست و بود و نبود انسان آنچنان در مرز واقعیت و ناواقعیت سردرگم و در تعلیق است که نامعتبر بودن جهان پسامدرن را بازخوانی می‌کند.

بی‌مرزی تخیل در آثار احمدی به گونه‌ای است که خواننده را وارد دو دنیای متفاوت می‌کند و به قدری دنیای وانموده‌ها پررنگ و بی‌مرز هستند که خود را به دنیای واقعی تحمیل می‌کنند. نتایج به دست آمده نشان می‌دهد که وانموده‌های این اثر و به طور کلی آثار احمدی بیشتر تحت تأثیر فلسفهٔ شخصی او به عنوان یک انسان است، انسانی که در میان زندگی کودکی خود و دنیای بزرگی اش در نوسان است. به نظر می رسد که او ضمن اینکه

تمایل دارد تا با وانموده‌های داستانی اش، دنیای بی‌مرزی کودکی را در میان‌سالی خود تجسم کند، می کوشد تا با ایجاد نوعی احساس همذات پندارانه در کودکان، آنها را نیز به فلسفیدن دربارهٔ جهان وانموده ها وادارد. در داستان‌های احمدی نبود دنیای دلخواه احمدی (یعنی کودکی) عاملی برای بروز و ظهور وانموده می‌شود. نغز آنکه وانموده‌های ناب احمدی مورد پذیرش کودکان قرار می‌گیرد. برخلاف نظر بودریار که معتقد است تحمل زندگی در چنین وانموده‌هایی طاقت‌فرسا و یا غیرممکن است، احمدی ترجیح می‌دهد دنیای وانموده‌هایش همواره در پیش‌زمینه باشد، چرا که در این دنیا همواره عشق، تازگی، برکت، زیبایی وجود دارد و نویسنده، می کوشد تا کودکان را قادر سازد تا با استفاده از تفکر دربارهٔ این وانموده‌ها، به آرامشی روحی برساند و از تلخی‌های زندگی روزمره بکاهد. این امر گفتنی است که با وجود اینکه دنیای انگاره‌های پسامدرنی، هرگز قابل اعتماد نیستند، دنیای متنی داستان‌های احمدی بخاطر شگردهای خیالپردازانه، برای کودکان و حتی خود احمدی بسیار قابل اعتماد می شود و در نتیجه وانمودگی، دنیای رنگارنگی را هم برای کودکان و هم برای نویسنده رقم می‌زند. مهمترین شگردهایی که نویسنده سعی دارد تا به کمک آنها، وانموده‌ها را خلق کند، عبارتند از: ۱- یگانگی دنیای خواب و دنیای واقعی ۲- وانمودگی نوشتار جادویی ۳- وانمودگی دنیای سورئالیستی.

کودک داستان های احمدی نمی‌خواهد بین دنیای خواب و دنیای واقعی تفاوت قائل شود. دنیای خواب هیچ‌گاه ارتباط کودک را با واقعیت از بین نمی‌برد؛ بلکه حتی مکمل آن است و در بسیاری موارد بسیاری از راه‌حل‌های گریز از معضلات، در دنیای خواب به او نمایانده می‌شود. خصوصیت جادویی نوشتار به فلسفیدن کودک کمک می کند. واژگان جادویی احمدی جوان، شاد و زایا هستند؛ لذا تفکر کودکان را به فعالیت وا می دارند. احمدی، از فرصت‌های بی‌کرانی که تخیل سورئالیستی در اختیارش قرار می‌دهد، با آفرینش فضایی شگفت‌انگیز و وهم‌آلود، تنهایی انسان و جهان پیرامونش را برای کودکان به نمایش می‌گذارد تا از طریق این وانموده‌های شگفت‌انگیز، امکان بیشتر و بهتری برای قابل تحمل کردن زندگی در جهان معاصر که با ترس‌ها و تنهایی همراه است، فراهم می‌کند. او با جایگزینی دنیای خیال در دنیای واقعی، راه‌حل‌های رنگینی برای برون‌رفت از مشکلات دنیای واقعی، فروپاشی قدرت ساختارهای فرتوت دیدگاه‌های سنتی و شکستن نمادها (زندگی‌بخشی به وانموده‌های رنگی و بی‌مرزی این وانموده‌ها) از بی‌مرزی‌های ویرانگر (هجوم مسلسل‌وار رویدادهای ناخوشایند) زندگی ارائه می‌دهد و دنیایی را که تنهایی،

حسرت، درد و رنج باعث آزار خود و کودک می‌شود، با تخیل و اصل قرار دادن وانموده‌های تخیلی بازسازی می‌کند و با استفاده از تصاویر به ظاهر بی‌ارتباط از سلطه‌گری روابط علی و معلولی دنیای واقعی می‌کاهد. ارزش وانموده‌های احمدی در اینجاست که نه تنها کودک با تفکر دربارهٔ این وانموده‌ها از تلخی زندگی می‌رهد، بلکه هنگام بازگشت به زندگی واقعی، قوی‌تر و رشدیافته‌تر از قبل خواهد بود.

در نهایت سخن اینکه می‌توان به جرأت اذعان داشت که فلسفهٔ نهانی داستان‌های احمدی بیشتر برآمده از اندیشه‌های انسان بزرگسالی است که کودکی را به‌خوبی تجربه کرده و مفهوم کودک را دقیق می شناسد، لذا به راحتی می تواند مخاطبان کودک خود را با داستان پردازیهایش به تفکر دربارهٔ زندگی و مؤلفه هایش وادارد.

کتاب‌نامه

احمدی، احمدرضا (۱۳۸۷)، در باغ بزرگ باران می‌بارید، تهران: نشر افق.

احمدی، احمدرضا (۱۳۸۵)، بهار بود، تهران: شباویز.

احمدی، احمدرضا (۱۳۸۰)، اسب و سیب و بهار، تهران: نشر ماه‌ریز.

احمدی، بابک (۱۳۸۰)، حقیقت و زیبایی، چ پنجم، تهران: مرکز.

بیگربی، سی. وی. ای (۱۳۷۵)، دادا و سورئالیسم، ترجمهٔ محسن افشار، چ چهارم، تهران: مرکز.

پاک‌پور، مانیا (۱۳۸۹)، بررسی ساز و کارهای دفاعی کودک از طریق تصویر و روایت داستان (قسمت دوم)،کتاب ماه کودک و نوجوان،س۱٤ ، ش ۱٦۰.

پاینده، حسین (۱۳۹۰)، داستان کوتاه در ایران، ج ۳، تهران: نیلوفر.

پاینده، حسین (۱۳۸۳)، «فراداستان: سبکی از داستان‌نویسی در عصر پسامدرن»، کتاب ماه ادبیات و فلسفه، س ۸، ش ۸٤ .

تدینی، منصوره (۱۳۸۸)، پسامدرنیته در ادبیات داستانی ایران، تهران: نشر علم.

تسلیمی، علی (۱۳۹۰)، نقد ادبی، چ دوم، تهران: آمه.

تسلیمی، علی (۱۳۹٦)، پژوهشی انتقادی کاربردی در مکتب های ادبی، تهران: آمه.

حامدی شیروان، زهرا، شریفی، شهلا (۱۳۹۳).بررسی آموزه های ایدئولوژیک در پاره ای از آثار ادبیات کودک ایران در گروههای سنی «د»و «ه»، دو فصلنامه تفکر و کودک ،س٤، ش۲.

حجاری، محمد جواد و ناصر ملکی (۱۳۹۵)، «وانمودگی در داستان «سوفیا» از مصطفی مستور»، ایران نامگ، س۱، ش ۱.

حسینی، زهره. (۱۳۸۹). «فلسفه و کودکان». فصلنامه خردنامه صدرا، س۱۰ .

حقیقی، مانی (۱۳۸۹)، وانمودهها در حقیقی (گزینش و ترجمه) سرگشتگی نشانههـا نمونـههـایی از نقـد پسامدرن، چ ششم، تهران: مرکز.

خانیکی، هادی ، نوری راد، فاطمه، شاه حسینی، وحیده(۱۳۹٦). «مطالعه روند شکل گیـری گفتگـو در کلاس فلسفه برای کودکان»، دو فصلنامه تفکر و کودک، س ۸ ، ش ۲.

رشـتچی،مژگان(۱۳۸۹)، «ادبیـات داسـتانی کودکـان و نقـش آن در رشـدتفکر»،دو فصـلنامه تفکـر وکودک،س۲، ش ۲.

شریفیان، مهدی ، محسن لطفی عزیـز (۱۳۹۲)، «وجودشناسـی پسـامدرن در داسـتان «رؤیـا و کـابوس»، نوشتهٔ ابوتراب خسروی با تکیه بر نظریـهٔ وجودشـناختی (برایـان مـک هیـل)»، پژوهشـنامه ادبیـات داستانی، س۱، ش ٤.

شوالیه، ژان ، گربران، آلن (۱۳۸۷)، فرهنگ نمادها، ج ۳، ترجمهٔ سودابه فضائلی، تهران: جیحون .

شیخه،رضا، صفایی مقدم، مسعود، پاک سرشت، محمـد جعفر،مرعشـی، منصـور(۱۳۹۸). «بررسـی دیدگاه برساخت گرایی اجتماعی درباره کودکی و آموزه های آن برای برنامه آموزش تفکـر بـه کودکان». دو فصلنامه تفکر و کودک، پژوهشگاه علوم انسانی، س ۱۰، ش ۲.

غیبی، مژده ، الخاص ویسی (۱۳۹٤)، «تجلی سه نمود حیوانی آناهیتا در افسـانههـای عامیانـه ایرانـی»، دو فصلنامهٔ علوم ادبی، س ۵ ، ش۸ .

فروم، اریک (۱۳۸۸)، زبان از یاد رفته، ترجمه ابراهیم امانت، چ نهم، تهران، مروارید.

فیشر، رابرت (۱۳۸٦)، آموزش تفکر به کودکان، ترجمه مسعود صـفایی مقـدم و افسـانه نجاریـان، اهواز: نشر رسش.

کاسی، فاطمه (۱۳۹۹)، پدیدارشناسی بی مرزی در داستانهای کودکانه احمدرضا احمدی، تهران: ماه و خورشید

کم، فیلیپ (۱۳۹۲)، هم اندیشی روش پرورش مهارت های تفکر، ترجمه مریم خسرونژاد، تهـران: قطره.

کوکبی، مرتضی ، حری، عباس، مکتبی فـرد، لـیلا (۱۳۸۹)، بررسـی مهـارت هـای تفکـر انتقـادی درداستان های کودکان و نوجوانان، مجله مطالعات ادبیات کودک، س۱، ش۲.

کیویستو،پیتر(۱۳۸۰)، اندیشه های بنیادی در جامعه شناسی، چ دوم، ترجمه منوچهرصبوری، تهران: نشر نی.

مجاوری آگاه، مسعود (۱۳۹۲)، «بررسی سبک و فضاهای سورئالیستی در تصویرسازی ادبیات داستانی»، کتاب ماه کودک و نوجوان،س۱٦، ش ۹.

محمودی، علیرضا، سوسن پسانین (۱۳۹٦)، «مؤلفههای پستمدرن مجموعهٔ داستانی یوزپلنگـانی کـه بـا من دویدهاند، بیژن نجدی»، فصلنامهٔ جستارهای داستانی در ادب فارسی، س۵ ،ش۱.

مرعشی، سید منصور، صفایی مقدم، مسعود ، خزامی، پروین (۱۳۸۹)، «بررسی تأثیر اجـرای برنامـه آموزشی فلسفه برای کودکان به روش اجتماع پژوهشی بر رشد قضاوت اخلاقی دانش آمـوزان پایه پنجم ابتدایی شهر اهواز»، دوفصلنامه تفکر و کودک، س ۱، ش ۱.

مقداری، صدیقه سادات (۱۳۹۵)، «تحلیل تطبیقی رنگ در کتاب‌های داستانی نوشته شده و ترجمـه شـده فارسی برای کودکان براساس الگوی پینتر (۲۰۰۸)»، فصلنامه پژوهش‌های ادبـی و بلاغـی، س ٤،ش ١٦.

نورتون، دونا (۱۳۸۲)، شناخت ادبیات کودکان، ترجمه منصوره راعی و دیگران، تهران: قلمرو.

Baudrillard,jean (1981) ." Simulacres Et Simiulation", Paris.

Baudrillard,jean (1976) . "L echange Symbolique Et La Mort", Paris.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی